

باید توجه داشت که در این قسمت نیز باید پاسخ‌های دوری را مشخص و از جرگه‌ی پاسخ‌های درست خارج کرد.

پرسش: وجه مشترک این پاسخ‌ها (در هر دو زمینه) چیست؟

—
—
—

نتیجه‌گیری معلم: اگر دقت کنید، در همه‌ی این موارد، دلیلی که برای تعلق زیاد بیان شده است، امری است که برای افراد ارزشمند یا یکی از ارزش‌ها مثل هنرمندی، صلح‌جویی و صلح‌طلبی، هوش، متمدن بودن، است؛ در حالی که دلیل تعلق کم، امری است که در جامعه ارزشمند شناخته نمی‌شود؛ مثل: عقب‌ماندگی، فقدان شأن و منزلت، نداشتن قدرت و وابسته بودن. بر این اساس می‌توان گفت، اگر افراد احساس کنند که ویژگی‌ای که به آن‌ها نسبت داده می‌شود (در این جا ایرانی بودن)، امری با ارزش است و آن‌ها را در نزد دیگران مهم می‌سازد، به آن علاقه‌مند می‌شوند اما اگر آن ویژگی با امری پیوند داشته باشد که آن‌ها را در نظر دیگران کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت سازد، تعلق آن‌ها به آن کم می‌شود یا نوعی تعلق منفی (احساس منفی) نسبت به آن پیدا می‌کنند.

پرسش: اکنون از شما می‌خواهم تا بر مبنای این معیار، درباره‌ی اثر و نقش دو نوع روایت درباره‌ی گذشته و حال ایران بر تعلق به هویت ملی، نظر بدهید.

فکر می‌کنید اگر در تاریخ، گزارش‌ها و مطالبی که درباره‌ی ایران ارائه می‌شود، بیش‌تر از بدی‌ها و زشتی‌ها صحبت شود و بر جهات منفی زندگی ایرانیان تأکید شود، این کار چه اثری بر تعلق خوانندگان و بینندگان این نوع روایت‌ها دارد؟

—
—
—
—

پرسش: چند نمونه از این نوع روایت را بیان کنید.

پرسش: در صورتی که روایت‌ها، بر وجوه مثبت زندگی ایرانی‌ها تأکید کنند، این نوع روایت چه اثری بر تعلق افراد به هویت ایرانی دارد؟

—
—

پرسش: چند نمونه از این نوع روایت‌ها را ذکر کنید.

—
—

پرسش: در درس قبلی، با واکنش‌های مختلف ایرانی‌ها در برابر غرب آشنا شدید. فکر می‌کنید آن‌هایی که اعتقاد داشتند که باید ایرانی‌ها شیوه‌ی زندگی غربی‌ها را برگزینند، چه روایتی درباره‌ی «ایرانی» و «غربی» داشتند؟ روایت‌های آن‌ها درباره‌ی «ایرانی» بیشتر بر وجوه مثبت تأکید داشت یا منفی؟ درباره‌ی غربی‌ها چه؟

—
—

پرسش: به تبع این روایت‌ها تعلق آن‌ها به هویت ایرانی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

—
—

پرسش: با توجه به روایتی که درباره‌ی ایران و غرب داشتند، تعهد آن‌ها به ایران به چه شکلی آشکار می‌شود؟ فکر می‌کردند وظیفه دارند برای ایران چه بکنند؟

—
—

پرسش: آن‌هایی که واکنشی منفی درباره‌ی همانند شدن با غرب داشتند، چه؟ روایت‌شان درباره‌ی ایران و غرب منفی بود یا مثبت؟

—
—

پرسش: با توجه به روایتی که درباره‌ی ایران و غرب داشتند، درباره‌ی تعلق و تعهد آن‌ها به

ایران داوری کنید.

—

—

پرسش: گروه سوم، چه روایتی درباره‌ی ایران و غرب داشتند؟

—

—

پرسش: درباره‌ی تعلق و تعهد آن‌ها به ایران بر مبنای روایت‌شان درباره‌ی ایران و غرب داوری

کنید.

—

—

نتیجه‌گیری معلم: با توجه به نقشی که روایت‌ها در شکل دادن به هویت‌ها دارند، یکی از راه‌های ایجاد تعلق و تعهد، «روایت» است؛ از این‌رو، به عنوان یک محقق زمانی که روایتی را در قالب نوشتار، گفتار، فیلم، رمان، نقاشی، تاریخ، گزارش، خبر و ... ملاحظه می‌کنیم، می‌توانیم از روی نوع اطلاعی که درباره‌ی یک هویت ارایه می‌کند، بفهمیم که این روایت چه نوع تعلق و تعهدی ایجاد می‌کند؟ احساس مثبت در ما و دیگران ایجاد می‌کند یا احساس منفی؟ ما را متعهد به آن هویت می‌کند یا ما را نسبت به آن هویت نامتعهد می‌سازد؟ خوب است که در ملاحظه‌ی هر روایت به این مطلب توجه داشته باشید.

همین ویژگی روایت سبب شده است تا آن‌هایی که می‌خواهند رفتار افراد و جوامع را تغییر دهند، از آن به عنوان یک ابزار استفاده کنند و در پرتوی روایت و ایجاد تعلق و تعهد به هویت‌های معین، اهداف خود را پی‌بگیرند.

۵- انتخاب عنوان فرعی / روش: بارش مغزی

نمونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان

۱- تفاوت در تعلق و علل آن

۲- ارزش‌ها و تعلق

۳- احساس اهمیت و تعلق

۴- احساس کهنتری و عدم تعلق

۵- ریشه‌های تفاوت در تعلق

۶- احساس مهتری و تعلق

۷- ارزشمندی و تعلق

۶- فعالیت پایانی (تحلیل و ارزیابی کنید) / روش: پروژه

این فعالیت سه قسمت دارد. قسمت اول، روش شناخت تعهد و تعلق به انواع هویت‌ها و مقایسه‌ی آن‌هاست. در این قسمت، ضمن این که دانش‌آموزان به تأمل و تفکر در این زمینه می‌پردازند، لازم است تا دبیران نیز توضیحاتی ارائه کنند.

هویت‌ها را می‌توان به طرق مختلف با هم مقایسه کرد اما مهم‌ترین شاخصی که مورد استفاده قرار می‌گیرد، هزینه‌ای است که فرد برای دارا بودن آن هویت حاضر است بپردازد که همان تعهد است. ممکن است افراد در گفتار، ابراز تعلق زیادی به یک هویت کنند اما این که حاضرند چه قدر برای آن هزینه کنند، مبنای تعهد به آن است.

قسمت دوم، بررسی سلسله مراتب هویت‌های قومی و ملی و مشکلاتی است که عدم توجه به این سلسله مراتب پیش می‌آورد.

لازم است معلم قبل از انجام دادن فعالیت توضیح دهد که دانش‌آموزان موقعیت‌هایی را در نظر بگیرند که افراد در آن باید بر هویت ملی خود تأکید کنند نه هر موقعیت؛ زیرا در بسیاری از موقعیت‌ها تأکید بر هر دو هویت مجاز شمرده شده است و تأکید بر یک هویت در برابر هویت دیگر، تفاوتی نمی‌کند.

اگر بخواهیم این دو نوع موقعیت را در برابر هم قرار دهیم، می‌توانیم از بحث درس دوم استفاده کنیم. هویت‌ها در مقایسه شکل می‌گیرند؛ بنابراین، می‌توان دو موقعیت را در برابر هم قرار داد: موقعیت‌هایی که ایرانی در برابر دیگران (دیگر ملیت‌ها) قرار می‌گیرد (مانند زمانی که فرد به یک کشور خارجی سفر می‌کند، کشور مورد هجوم خارجی قرار می‌گیرد یا ویژگی‌هایی که ایران با آن شناخته می‌شود، مانند سرزمین، زبان، مفاخر و...) و موقعیت‌هایی که ایرانی‌ها در داخل کشور در برابر هم قرار می‌گیرند. سؤال مربوط به مشکلاتی است که در حالت اول پیش می‌آید.

یک نمونه‌ی متأخر از مواردی که ایرانی بودن مورد هجوم قرار گرفت و با واکنش عموم ایرانی‌ها با هر مشی و مشربی مواجه شد، به کاربردن اصطلاح «خلیج عربی» به جای «خلیج فارس» در یک سایت اینترنتی بود که با واکنش وبلاگ نویس‌ها و جوانان ایرانی مواجه و سبب عقب‌نشینی آن شد.

در برابر، تأکید بر ویژگی‌های محلی و قومی در لباس پوشیدن، هنرها، آداب و رسوم و ... باعث تضعیف هویت ملی نمی‌شود.

البته باید به موقعیت‌های دیگری هم اشاره کرد که در آن باید به سلسله مراتب هویت‌ها توجه کرد، شرایطی که در آن هویت ایرانی در تعارض با هویت‌های محلی و قومی صدمه می‌بیند. برای مثال ممکن است منافع ملی در جریان مقابله با هویت‌های محلی مورد توجه قرار نگیرد.

قسمت سوم فعالیت شناخت حد بالای تعهد به هویت ملی است که با بیان ویژگی‌های «ایرانی نمونه» انجام می‌شود.

در این جا اگر شاخصی داشته باشیم از هزینه‌هایی که برای تعلق به یک هویت باید بپردازیم، می‌توان ویژگی‌های «ایرانی نمونه» که بالاترین تعهد به هویت ایرانی را نشان می‌دهد، بیان کرد. همچنین با توجه به این که هویت در موقعیت‌ها شکل می‌گیرد و خود را نشان می‌دهد، بهتر است بعد از تهیه‌ی شاخصی از هزینه‌ها، فهرستی نیز از موقعیت‌های مهم تهیه شود و ویژگی‌های «ایرانی نمونه» در موقعیت‌های متنوع بیان شود. به عبارت دیگر به جای ارائه‌ی تصویر واحد از «ایرانی نمونه» بهتر است تصاویر متعددی از وی ارائه شود.

البته ممکن است دانش‌آموزان براساس آموخته‌های خود عباراتی بیان کنند که هر کدام از آن‌ها «ایرانی نمونه» را به شکلی تصویر کند. لازم است بر مبنای دو معیار فوق، پاسخ آن‌ها مجدداً سامان یابد.

نمونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان

قسمت اول

— با توجه به این که معیارهای تعلق و تعهد به هر هویتی در فرهنگ مشخص شده است در صورتی که رفتار و گفتار فرد را در یک دوره‌ی زمانی معین بررسی کنیم و نسبت آن را به کل رفتار و گفتار او محاسبه کنیم، از طریق آن می‌توانیم تعلق و تعهد او به هویت‌های مختلف را بسنجیم.

— در صورتی که از فرد خواسته شود دلیل رفتار خود را در یک دوره‌ی زمانی معین بیان کند، اگر وی بیش‌تر رفتار خود را به یک هویت نسبت دهد، می‌توان گفت تعلق و تعهد او به آن هویت بیش‌تر است.

— برای سنجش میزان تعلق و تعهد فرد به انواع هویت می‌توان از پرسش‌نامه

استفاده کرد. مثلاً اگر مشابه سؤالی که در متن درس آمده (فعالیت برای آبادانی ایران)، برای سایر هویت‌ها طرح شود، می‌توان بی‌برد که برای کدام هویت اهمیت بیش‌تری قائل است.

— می‌توان فرد را در موقعیت‌های فرضی‌ای قرار داد که بین هویت‌ها دست به انتخاب زند... ..

— می‌توان میزان هزینه (مالی، جانی و آبرویی)‌ای که حاضر است برای انواع هویت بپردازد، را مورد پرسش قرار داد.

...

قسمت سوم

— دفاع از کشور و سرزمین ایران

— افتخار آفرینی در میادین ورزشی و علمی

— کمک به مردم آسیب‌دیده از زلزله و سیل

— افتخار به نمادهای ایران

— واکنش نسبت به کسانی که به ایران و ایرانی توهین کنند.

— واکنش نسبت به تخریب اماکن تاریخی و میراث فرهنگی

— تلاش برای سربلندی کشور

— تلاش برای طرح ایران در حوزه هنری

— تلاش برای توفیق در المپیادهای جهانی

۷— مفاهیم کلیدی

تعلق، تعهد

۸— خلاصه‌ی درس

از احساس مثبت نسبت به ویژگی‌هایی که فرد خود را با آن می‌شناسد و یا دیگران او را به آن ویژگی می‌شناسند، به عنوان «تعلق» یاد می‌شود. احساس مثبت نسبت به ویژگی یا هویت، به نوبه‌ی خود، نتیجه‌ی ارزشمند شدن فرد یا گروه در نزد دیگران بر مبنای آن ویژگی است و بی‌ارزش شدن آن ویژگی موجب شکل‌گیری احساس منفی نسبت به آن و در نتیجه عدم تعلق به آن می‌شود. همچنین افراد احساس می‌کنند باید برای ویژگی (هویتی) که دارند، کاری انجام دهند که به آن

«تعهد» می‌گویند.

افراد در میزان تعلق و تعهد به یک ویژگی (هویت) با هم تفاوت دارند. تعهد و تعلق به هر هویتی با هم رابطه دارند. معمولاً با افزایش تعلق، میزان تعهد به آن هم افزایش می‌یابد.

۹- پیشنهاد عناوین دیگر برای درس

نمونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان

- ۱- تعلق و تعهد شما به ایران چه قدر است؟
- ۲- همه جای ایران سرای من است / که نیک و بدش از برای من است
- ۳- تعلق و تعهد
- ۴- دست در دست هم نهیم به مهر / میهن خویش را کنیم آباد
- ۵- به خون دل زیم، زین زیست شادم / که ایرانی بود خون و نژادم
- ۶- چو ایران نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
- ۷- وطن خواه و ایران پرستنده‌ایم / که با عشق ایران زمین زنده‌ایم
- ۸- ای ایران، ای قبیله‌ی قبیله‌ی خورشید

نمونه‌ی سؤالات درس

- پرسش: تعلق و تعهد را تعریف کنید.
- پرسش: چه زمانی افراد از شناخت ویژگی‌های خود خشنود هستند؟
- پرسش: به عنوان یک ایرانی، چه تعهدی نسبت به ایران دارید؟
- پرسش: روایت‌ها از چه طریق در شکل دادن به تعلق و تعهد به یک هویت عمل می‌کنند؟ تحلیل کنید.
- پرسش: برای افزایش تعلق افراد به هویت ایرانی چه باید کرد؟
- پرسش: ابیات زیر بیانگر چه مفاهیمی هستند؟ توضیح دهید.
- به خون دل زیم زین زیست شادم / که ایرانی بود خون و نژادم
- دست در دست هم نهیم به مهر / میهن خویش را کنیم آباد
- پرسش: ایندراگاندی برای کسب رأی بیش‌تر در انتخابات، سوار بر یک خودرو

چیپ شد و فانوس به دست از هر دهکده عبور کرد و صرف‌نظر از آداب و رسوم و مذاهب متنوع، هندی بودن آن‌ها را یادآوری کرد. او پس از طی این دوران، در انتخابات نفر اول شد. تحلیل خود را در این باره بنویسید.

پرسش: به نظر شما چرا یک سیاه پوست، موهای خود را بور می‌کند؟
پرسش: چرا گاندی به زنان و مردان هندی توصیه کرد برای پوشش از پارچه‌های بدون برش بافت هند استفاده کنند؟

پرسش: در جای خالی عبارت مناسب بنویسید.
از احساس مثبت نسبت به ویژگی‌هایی که فرد خود را با آن می‌شناسد یا دیگران او را به آن می‌شناسند، با عنوان ... یاد می‌شود.

پاسخ به نمونه‌ی پرسش‌های فصل

این پاسخ‌ها، پاسخ‌های نمونه است و ارائه‌ی آن به معنای آن نیست که فقط این پاسخ‌ها قابل قبول است. می‌توان برای پرسش‌های مطرح شده یا بخش‌هایی از آن، پاسخ‌هایی غیر از این هم ارائه کرد. مثلاً در پاسخ به قسمت دوم پرسش ۱ می‌توان از علل دیگری یاد کرد اما آنچه ارائه شده، با مطالب کتاب متناسب‌تر است.

۱- این پرسش، سه قسمت دارد که به ترتیب، پاسخ احتمالی هر قسمت ارائه می‌شود
قسمت اول: درصد پذیرفته شدگان زن افزایش و درصد پذیرفته شدگان مرد در طول زمان کاهش یافته است.

قسمت دوم: می‌دانیم که زنان در گذشته، معمولاً با ویژگی‌هایی منفی یا کم‌اهمیت تعریف می‌شده‌اند. با توجه به این که: الف) کنکور، دانشگاه و تحصیل در زمانه‌ی کنونی با اهمیت و ارزشمند است، ب) موانعی که بر سر راه تحصیل زنان در مقاطع بالا بوده رفع شده، زنان می‌توانند با راه‌یابی به دانشگاه و به تبع آن دست‌یابی به تحصیلات عالی، هویت خود را بر مبنای ویژگی‌های ارزشمندتر از گذشته تعریف کنند.

قسمت سوم: این وضعیت به تدریج تمایز جنسیتی (تمایز زن و مرد) را در جامعه کم‌رنگ می‌کند و موجب می‌شود تصویری مثبت‌تر از زنان در جامعه شکل بگیرد. علاوه بر این، امکان مقاومت زنان را در برابر تعاریف سنتی از زن افزایش می‌دهد.

۲- «تبلیغ شخصی» و «نمونه جلوه دادن خود»، استفاده‌ی عامدانه از امور ارزشمند برای معرفی خود به دیگران محسوب می‌شود. «شکسته نفسی» (صرف نظر از این که یک صفت مطلوب اخلاقی است) رفتاری است که فرد در آن از نسبت دادن ویژگی‌های مطلوب به خود پرهیز می‌کند و تلاش می‌کند تا اگر دیگران هم ویژگی‌های ارزشمندی به او نسبت دادند، وی آن‌ها را نفی کند. «تهدید» رفتاری است که در آن به امکان استفاده از قدرت تأکید می‌شود و طرف مقابل را می‌ترساند. «تضرع» شکل دیگری از اعمال قدرت برای قبولاندن نظر خود به دیگران است «چاپلوسی» که از نظر اخلاقی صفتی مذموم تلقی می‌شود، در بحث هویت، تعریف دیگران از موضع ضعف (بی قدرتی) و با استفاده از ویژگی‌های ارزشمند است.

زمانی که فرد ویژگی‌های خود را باور دارد و می‌خواهد دیگران هم آن‌ها را بپذیرند، از گفتار استفاده می‌کند (تبلیغ شخصی).

زمانی فرد تلاش می‌کند تا خود را نمونه جلوه دهد که احساس می‌کند دیگران در تأیید ویژگی‌هایی که او می‌خواهد با آن‌ها شناخته شود، تردید دارند. بنابراین، سعی می‌کند تا ویژگی‌های ارزشمند خود را هر چه بیش‌تر به نمایش بگذارد تا تأیید دیگران را به دست آورد.

شکسته نفسی کردن (اگر به عنوان یک عمل اخلاقی مد نظر نباشد)، رفتار معکوسی است برای گرفتن تأیید دیگران به این نحو که فرد ویژگی‌های ارزشمندی را که دیگران به او نسبت می‌دهند، نفی می‌کند با این هدف که مجدداً از طرف آن‌ها تأیید شود.

زمانی که فرد قدرتمند باشد، برای گرفتن تأیید دیگران از تهدید استفاده می‌کند.

زمانی که فرد قدرت ندارد، با استفاده از تضرع باز هم در پی گرفتن تأیید دیگران است.

چاپلوسی رفتاری است که در آن برخلاف معیارهای جامعه، ویژگی‌های ارزشمند به دیگران نسبت داده می‌شود و یا رفتارهای نادرست آن‌ها تأیید می‌شود. افراد چاپلوس از این طریق در پی کسب مزایا و منفعت هستند.

— بر این اساس، می‌توان گفت، موارد ذکر شده، روش‌های مختلفی برای شناساندن خود به دیگران و تأیید یا گرفتن تأیید برای تعریف خود و دیگران است.

۳- این پرسش ۴ قسمت دارد که قسمت سوم آن به تناسب منطقی زندگی دانش‌آموزان تغییر می‌کند. به همین جهت، فقط پاسخ سه قسمت دیگر آن ارائه می‌شود.

قسمت اول: همه‌ی ترانه‌های ذکر شده، تعلق و تعهد اقوام مختلف به هویت ایرانی را نشان

می‌دهند.

قسمت دوم: علی‌رغم تعدد اقوام در ایران و وجود هویت‌های قومی، همه‌ی ایرانیان خود را متعلق و متعهد به هویت ایرانی می‌دانند و وجود هویت‌های قومی و حتی تقویت آن‌ها را نباید به معنای تضعیف هویت ایرانی به حساب آورد.

قسمت چهارم: با توجه به نشانه‌های هویت ملی، نشان دادن سهم اقوام مختلف در شکل‌گیری تاریخ ایران، برجسته کردن مفاخر و قهرمانان ملی در اقوام مختلف و تبدیل مفاخر و قهرمان‌های قومی به مفاخر و قهرمانان ملی، تلقی میراث فرهنگی اقوام به مثابه‌ی میراث فرهنگی ملی، رواج شیوه‌های زندگی اقوام در همه‌ی جای ایران و تبدیل آن به یکی از اشکال زندگی ملی (برای مثال، تبدیل شکل پوشش اقوام به سبک‌های ملی) از راه‌های تقویت ویژگی‌های مشترک است. به عبارت دیگر، باید تلاش کرد تا ضمن قبول این که هر قوم ویژگی‌های خاص خود را دارد، آن ویژگی‌ها را ویژگی‌های ملی نیز به حساب آورد و از نفی آن‌ها یا برتر دانستن ویژگی‌های یک قوم بر قوم دیگر پرهیز کرد.

۴- این پرسش نیز سه قسمت دارد. قسمت دوم و سوم آن بیش‌تر جنبه‌ی ارزیابی دارد. به همین دلیل، نمی‌توان برای آن پاسخ واحدی یافت. در این دو قسمت، آن چه اهمیت دارد و ارزش‌یابی می‌شود، نوع استدلال و بیان دانش‌آموز است نه محتوای اظهار نظر وی.

قسمت اول: روایت اول، جهان آینده را همراه با نوعی بازگشت به گذشته معرفی می‌کند که در آن خانواده‌ی گسترده غالب خواهد بود و روابط رو در رو و صمیمی خانواده تداوم خواهد یافت و هویت خانوادگی به عنوان یکی از هویت‌های مهم فرد باقی خواهد ماند و حتی تقویت خواهد شد. در روایت دوم، جهان آینده جهان بی‌خانواده و در نتیجه خالی از روابط رو در رو و صمیمی آن خواهد بود و هویت خانوادگی در آن معنا نخواهد داشت یا هویتی کم‌ارزش تلقی خواهد شد. به تناسب این وضع بسیاری از نقش‌های مرتبط به خانواده، مانند: نقش زن - شوهر، پدر - مادر - فرزند و خواهر - برادر هم وجود نخواهد داشت. در نتیجه، هویت‌های مرتبط با این نقش‌ها هم از بین خواهد رفت.

با توجه به اهمیت روابط افراد در خانواده و تأثیر آن در شکل‌دادن به هویت‌های پایدار، انتظار می‌رود برای افرادی که در این جهان زندگی می‌کنند، مهم‌ترین هویت، هویت شغلی باشد.

۵- با توجه به رابطه‌ی هویت با موقعیت، می‌توان تفاوت دو نسل را در هویت‌یابی به تفاوت موقعیت‌های آن‌ها نسبت داد که این تفاوت موقعیت‌ها خود نتیجه‌ی تغییر سریع شرایط زندگی تحت تأثیر علم و صنعت است. در گذشته که موقعیت‌ها در طول نسل‌ها تغییر چندانی نمی‌کرد، نسل‌های مختلف در یک جامعه شناخت مشابهی از خود داشتند و چیزی به عنوان تفاوت نسلی مطرح نبود.

۶- چون موقعیت‌ها و «دیگران» آن‌ها با هم تفاوت دارد. جوانی که در یک خانواده‌ی مرفه زندگی می‌کند، در هویت‌یابی و فعلیت‌بخشی به خود از امکاناتی بهره می‌برد که در خانواده‌ی غیر مرفه وجود ندارد. به همین دلیل ممکن است جوان خانواده‌ی غیر مرفه، راه‌یابی به دانشگاه را مسیر مهمی برای فعلیت‌بخشی به خود بداند؛ در حالی که ممکن است تحصیلات عالی برای جوان خانواده‌ی مرفه، اهمیت زیادی نداشته باشد زیرا او می‌تواند با اتکا به امکانات مادی خانواده، خودش را از طریق مصرف فعلیت بیخشد.

۷- برپایی بزرگ‌داشت برای مفاخر و قهرمانان، با هدف تداوم هویت‌های جمعی، از جمله هویت ملی انجام می‌شود؛ زیرا در جریان این مراسم:

— شخصیت‌ها شناسانده می‌شوند و به تبع آن افراد متعلق به هویت جمعی (ملی)، به تمایز خود از «دیگران» بیش‌تری می‌برند.

— در این مراسم، شخصیت‌ها اهمیت می‌یابند و به تبع آن هویت جمعی برای افراد اهمیت و ارزشمندی بیش‌تری می‌یابد.

— در این مراسم، تعلق و تعهد نسبت به آن شخصیت‌ها، از طریق مراسمی که اجرا می‌شود (سرودها، آیین‌ها و...)، تقویت می‌شود و به تبع آن تعلق و تعهد به هویت ملی تقویت می‌شود.

۸- میراث فرهنگی نمایانگر تداوم زمانی و گستره‌ی مکانی هویت ملی (جمعی) است. به همین دلیل آشنایی با آن، به تقویت هویت ملی و احساس یگانگی فرد با گذشتگان و دیگرانی که در حال حاضر در مکان‌های دیگر زندگی می‌کنند، منجر می‌شود.

۹- چون با حفظ و مرمت آثار باستانی، هویت ملی تقویت می‌شود، کسانی که به هویت ملی تعلق و تعهد دارند، وظیفه‌ی خود می‌دانند تا از این طریق هویت جمعی خود را تقویت کنند و تداوم بخشند. دولت‌ها هم بنا به وظیفه‌ای که برای حراست از هویت ملی دارند، در این زمینه خود را موظف و متعهد می‌دانند.

۱۰- ایران‌گردی، یک ایرانی را با «ما»های مختلف قومی و محلی ایران و تنوع آثاری که می‌تواند به عنوان میراث فرهنگی ایران شناخته شود، آشنا می‌کند. به تبع آن، ایرانی به سهم ایرانیان دیگر در شکل‌گرفتن ایران و هویت ایرانی پی می‌برد؛ برای مثال، اگر یک اصفهانی که در شهر خود با دهه‌اثر تاریخی آشناست، به تبریز سفر کند، پی می‌برد که تبریزی‌ها هم با آثاری مشابه در شکل دادن به ایران و هویت ایرانی سهیم‌اند.

جهانگردی، یک ایرانی را با «ما»های ملی دیگر آشنا می‌سازد و از طریق برجسته‌ساختن تمایز

«خود» و «دیگری»، به تقویت هویت ملی کمک می‌کند؛ ضمن این که وی را از شیفتگی نسبت به هویت ملی باز می‌دارد و نگاه وی را واقع‌گراتر می‌کند؛ زیرا بی‌می‌برد که «دیگران» هم دارای پیشینه، قهرمان‌ها، میراث فرهنگی مشابه، برتر یا فروتر از وی هستند.

۱۱- بلی؛ زیرا تبلیغات تلویزیونی، از تصویر و گفتار و به صورت کلی نمادها و نشانه‌ها استفاده می‌کند تا واقعیت را آن‌چنان که سفارش دهنده خواسته، به ما نشان دهد. این روایت، مانند سایر روایات، ممکن است واقعی یا ساختگی باشد.



فصل دوم ▼

مزایا

درس اوّل

در جامعه مزایا بر چه مبنایی توزیع می‌شود؟

اهداف درس

در پایان درس، انتظار می‌رود دانش‌آموز:

- رابطه‌ی ویژگی‌هایی را که افراد بر مبنای آن هویت می‌یابند، با توزیع نابرابر مزایا در جامعه درک کند.
- جایگاه عقاید جامعه را درباره‌ی ارزشمندی متفاوت ویژگی‌های مختلف بشناسد.
- رابطه‌ی ویژگی‌های ارزشمند را در برخورداری بیش‌تر از مزایا درک کند.
- تفاوت توزیع مزایا در جوامع مختلف را با توجه به ویژگی‌های ارزشمند در آن‌ها مقایسه کند.
- نقش ویژگی‌های ارزشمند را در برعهده‌گرفتن نقش‌ها درک کند.
- ویژگی‌های ارزشمند مؤثر در برعهده‌گرفتن نقش‌ها را در جوامع مختلف با یک‌دیگر مقایسه و ارزیابی کند.

اجزاء درس

- ۱- مرور مطالب سال گذشته، ۲- عنوان پرسشی درس ۳- فعالیت ورودی و متن ذیل آن،
- ۴- فعالیت میانی و متن ذیل آن، ۵- انتخاب عنوان فرعی، ۶- متن ذیل عنوان فرعی (ویژگی‌ها، نقش و برخورداری از مزایا)، ۷- فعالیت پایانی، ۸- مفاهیم کلیدی ۹- خلاصه‌ی درس، ۱۰- پیشنهاد عناوین دیگر برای درس.

نمونه‌ی تدریس

۱- مرور مطالب سال گذشته / روش: پرسش و پاسخ

از جلسه‌ی قبل، از دانش‌آموزان می‌خواهیم که به سؤالات در منزل پاسخ دهند و زمانی را به ارزش‌یابی از سؤالات مطرح شده اختصاص می‌دهیم تا مفهوم مزایا برای آن‌ها تعریف شده باشد.

۲- عنوان پرستشی درس (در جامعه مزایا بر چه مبنایی توزیع می‌شود؟) / روش: بارش

مغزی

نمونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان

- در جامعه مزایا بر مبنای پارتی بازی توزیع می‌شود.
- در جامعه مزایا بر مبنای نورچشمی‌گری توزیع می‌شود.
- در جامعه مزایا بر مبنای انتساب به یک گروه یا خانواده‌ی خاص توزیع می‌شود.
- در جامعه مزایا بر مبنای قومیت توزیع می‌شود.
- در جامعه مزایا بر مبنای ویژگی‌های زبانی خاص توزیع می‌شود.
- در جامعه مزایا بر مبنای تحصیلات بالاتر توزیع می‌شود.
- در جامعه مزایا بر مبنای کارایی و خلاقیت و توانمندی افراد توزیع می‌شود.
- در جامعه مزایا بر مبنای جنسیت (زن یا مرد بودن) توزیع می‌شود.
- در جامعه مزایا بر مبنای عضویت در جناح‌های سیاسی توزیع می‌شود.
- در جامعه مزایا بر مبنای هوشمندی و استعداد افراد توزیع می‌شود.
- در جامعه مزایا بر مبنای موقعیت محله و منطقه توزیع می‌شود.
- در جامعه مزایا بر مبنای شایسته‌سالاری توزیع می‌شود.
- در جامعه مزایا بر مبنای قدرتمندی افراد توزیع می‌شود.

بعد از پاسخ‌گویی، معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد که پاسخ‌ها را تا پایان بحث نگه دارند و کار ارزیابی را در پایان تدریس، مجدداً انجام می‌دهد.

۳- فعالیت ورودی (گفت‌وگو کنید) / روش: بحث گروهی

نمونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان

- محرومیت سیاه پوستان ناشی از رنگ پوست آن‌ها بوده است.
- محرومیت سیاه پوستان به دلیل قوانین مصوّب توسط سفید پوستان است.
- محرومیت سیاه پوستان به دلیل نژاد آن‌ها بوده است.
- محرومیت سیاه پوستان به دلیل جنسیت آن‌ها بوده است.
- محرومیت سیاه پوستان به دلیل خانواده و گروه قومی آن‌ها بوده است.

- محرومیت سیاهان به دلیل تنبلی و طبیعت خوش گذران آن‌ها بوده است.
- محرومیت آن‌ها به دلیل کم بودن تعداد تحصیل کردگان در بین آن‌ها بوده است.
- محرومیت سیاهان به خاطر فقدان مهارت‌های لازم در بین آن‌ها بوده است.
- ...

بعد از ارائه‌ی پاسخ‌ها که ممکن است کمتر یا بیش‌تر از تعداد ارائه شده است، معلم ضمن تأکید بر این نکته که ممکن است پاسخ‌ها درست یا غلط باشد، با اتکا به بحثی که دانش‌آموزان در سال قبل درباره‌ی برخورداری از مزایا خوانده‌اند و آن توزیع مزایا بر مبنای نقش‌هاست، از دانش‌آموزان می‌خواهد تا داوری کنند که دلیل محرومیت سیاهان، نقش آن‌ها در جامعه‌ی آفریقای جنوبی بوده است یا ویژگی‌هایی که سیاهان با آن‌ها تعریف می‌شده‌اند.

مسلماً پاسخ دانش‌آموزان این خواهد بود که این ویژگی‌ها نقش نیست، چون نمی‌توانیم در جامعه از سیاه پوستی به عنوان نقش یاد کنیم (در صورتی که دانش‌آموزان به خطا سیاه پوستی را نقش بدانند، معلم باید با اتکا به تعریف نقش، این اشتباه را تصحیح کند).

بعد از آن معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا نتیجه‌ی این بحث را به صورت یک گزاره / جمله بیان کنند.

-
-
-

پاسخ درست: ویژگی‌هایی که افراد بر مبنای آن هویت می‌یابند، مانند نقش‌ها عامل برخورداری نابرابر از مزایا در جامعه است.

نتیجه‌گیری بیش‌تر معلم: در این مرحله معلم می‌تواند برای تعمیق یادگیری و نشان دادن اهمیت ویژگی‌هایی که به افراد نسبت داده می‌شود یا افراد به خود نسبت می‌دهند، مصداق‌های بیش‌تری را از جامعه بیان کند و توجه دانش‌آموزان را به این موضوع جلب کند که روند هویت‌یابی و نوع هویتی که برای فرد تثبیت می‌شود، در برخورداری وی از مزایا سهمی اساسی دارد. بنابراین در این که باید چه ویژگی‌هایی را بپذیریم یا نپذیریم، توجه کافی داشته باشیم.

مصادیقی که از جامعه می‌توان ذکر کرد :

- تلاش افراد برای این که خود را زیبا، زرنگ، باهوش، کلاس بالا، اهل فرهنگ، دارای تمکن مالی نشان دهند (حتی اگر این ویژگی‌ها را نداشته باشند).
- تلاش برای عدم شناسایی با ویژگی‌هایی چون غیرقابل اعتماد بودن، بی‌فکر، بی‌تعهد بودن، لابلالی، متعلق به خانواده‌ای معتاد و ...

۴- فعالیت میانی (بحث و گفت‌وگو کنید) / روش: بحث گروهی

نمونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان

- مردها توانایی طبیعی بیش‌تری نسبت به زن‌ها دارند.
- زن‌ها روح ضعیف‌تری دارند.
- مردها قوی‌تر از زنان هستند.
- زن‌ها در قضاوت‌های اخلاقی انعطاف‌پذیرند.
- زن‌ها عاطفی‌ترند.
- زنان حساس و زودرنج هستند.
- زن‌ها برای کارهای خانگی ساخته شده‌اند.
- نوع جنسیت مرد نشان می‌دهد که وی رئیس و نان‌آور خانواده است.
- مردها مسئولیت‌پذیرترند.
- مردان برای شکار و جنگ و کار مناسب‌ترند.
- زن‌ها تحملشان کمتر است.
- میزان تجربه و مهارت زنان در کار کمتر است.
- زیبایی و فریفتگی زنان محدودیت می‌آورد.
- مردها باهوش‌تر از زنان هستند.

نتیجه‌گیری معلم: در دلایل ذکر شده معمولاً برای برخورداری کمتر زنان یا برخورداری بیش‌تر مردان، به ویژگی‌هایی اشاره شده است که می‌توان آن‌ها را در دو طبقه قرار داد: ویژگی‌هایی که برای برخورداری بیش‌تر مردان به عنوان دلیل تأکید شده و ویژگی‌هایی که دلیل برخورداری کمتر زنان ذکر شده است.

توانایی طبیعی، قوی بودن، نان‌آور بودن، باهوش بودن، مسئولیت‌پذیری، اهل شکار و جنگ بودن از جمله ویژگی‌هایی است که برای برخورداری بیش‌تر مردان بر آن تأکید شده است. در مقابل، ضعیف‌تر بودن از نظر روحی، انعطاف‌پذیری در قضاوت اخلاقی، عاطفی بودن، حساس و زودرنج بودن، کم‌تحمل بودن از ویژگی‌هایی است که برای برخورداری کمتر زنان بر آن تأکید شده است (همکاران دقت داشته باشند که بعضی از پاسخ‌های دانش‌آموزان ممکن است بی‌معنا باشد؛ مانند عبارت: «زیبایی و فریفتگی زنان محدودیت می‌آورد»). در این موارد باید کمک شود تا عبارت اصلاح شود یا به عنوان پاسخ بی‌ربط کنار گذاشته شود).

اگر در این ویژگی‌ها یا صفات دقت کنید، در می‌یابید که ویژگی‌هایی که برای برخورداری بیش‌تر مردان ذکر شده، در عرف جامعه‌ی ما، ویژگی‌هایی مثبت شناخته می‌شود. در حالی که ویژگی‌هایی که برای برخورداری کمتر زنان به آن اشاره شده، در عرف جامعه ویژگی‌هایی منفی یا کم‌اهمیت تلقی می‌شود.

همین مطلب درباره‌ی محرومیت سیاه‌پوستان در آفریقای جنوبی هم صادق است. در این کشور نیز در آن دوره، سفیدی پوست ارزشمند و سیاهی آن بی‌ارزش تلقی می‌شده است.

براین اساس، می‌توان گفت در هر جامعه‌ای تفاوت در برخورداری از مزایا براساس ارزشمندی ویژگی‌ها توجیه می‌شود. کسانی که واجد ویژگی‌های ارزشمندتر باشند، با استناد به آن‌ها، مدّعی برخورداری بیش‌تری از مزایا هستند. این مطلب را به عنوان یک «اصل» می‌توان پذیرفت.

برای تعمیق یادگیری و نشان دادن اهمیت این اصل، معلم می‌تواند توضیحات و بحث‌های زیر را ارائه کند.

معلم: از این اصل برای توضیح بسیاری از رفتارها و پدیده‌ها در جامعه می‌توان سود جست و به سؤالات زیادی پاسخ داد، برای مثال:

- اگر ارزشمندی مزایا در جامعه تغییر کند، چه پیش خواهد آمد؟
- اگر می‌خواهید میزان مزایای صاحبان یک نقش را در جامعه، تغییر دهید، چه باید بکنید؟
- رسانه‌ها از طریق نمایش فیلم، چگونه می‌توانند میزان مزایای نقش‌ها را تغییر دهند؟
- استدلالی که افراد در جهت ارزشمندی کار خود می‌کنند، چه تأثیری در میزان برخورداری

آن‌ها از مزایا دارد؟

– کسانی که می‌توانند بهتر سخن بگویند و سخنان مستدل‌تری در ارزشمندی بعضی از ویژگی‌ها ارائه کنند، چه تغییری در جامعه ایجاد می‌کنند؟

– به کار بردن عبارتی مانند عبارات زیر درباره‌ی معلمان و مادران چه تأثیری در برخورداری آن‌ها از مزایا دارد؟ «معلمی شغل انبیاست»، «بهشت زیر پای مادران است».

– استفاده از لطفه‌هایی که در آن، قومیت‌ها، صاحبان بعضی از مشاغل، اهالی یک شهر یا منطقه با عباراتی سخره‌آمیز معرفی می‌شوند، چه تأثیری در برخورداری آن‌ها از مزایا یا محروم کردن آن‌ها از مزایا (حداقل مزیت احترام) دارد؟

۵– انتخاب عنوان فرعی / روش: بارش مغزی

نمونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان

- ۱– ارزشمندی ویژگی‌ها
- ۲– ویژگی‌های مثبت و منفی
- ۳– ویژگی‌های انتسابی ارزشمند
- ۴– ویژگی ارزشمندتر، مزایای بیش‌تر
- ۵– ارزشمندی ویژگی‌ها در جامعه
- ۶– ارزشمندی ویژگی‌ها و توزیع مزایا

عنوان ۲ و ۳ اشتباه است. عنوان ۵ کامل نیست و عنوان ۴ و ۶ بهترین عنوان تلقی می‌شود.

۶– تدریس متن ذیل عنوان فرعی (ویژگی‌ها، نقش و برخورداری از مزایا) / روش:

پرسش و پاسخ

معلم برای تدریس این قسمت، از مصادیقی که در جامعه وجود دارد و برای دانش‌آموزان آشنا است، استفاده می‌کند تا در گام اول نشان دهد، ویژگی‌ها در برعهده گرفتن نقش‌های مختلف در جامعه تأثیر دارند. در گام دوم معلم با استناد به مطالبی که دانش‌آموزان در سال گذشته درباره‌ی رابطه‌ی نقش و برخورداری از مزایا آموخته‌اند، نشان می‌دهد که این ویژگی‌ها در برخورداری از مزایا به طور

غیرمستقیم تأثیر دارند. این کار را می‌توان با پرسش و پاسخ انجام داد. چند نمونه از پرسش و پاسخ در زیر آمده است.

نمونه‌ی اول

پرسش: ایفاکننده‌ی نقش رئیس جمهور از مزایای بیش‌تری برخوردار است یا وزیر؟

—

—

پرسش: براساس قانون، زن یا مرد بودن برای برعهده گرفتن کدام یک از این دو نقش شرط

است؟

—

—

پرسش: با توجه به این که مرد یا زن بودن یک ویژگی است، از مشروط شدن ایفای نقش رئیس‌جمهوری به مرد بودن، چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

—

—

پرسش: آیا می‌توانید این نتیجه‌گیری را به صورت یک اصل بیان کنید؟

—

—

پاسخ درست: ویژگی‌هایی که افراد با آن خود را تعریف می‌کنند یا دیگران فرد را با آن می‌شناسند، اگر معیاری برای اشغال نقش‌ها (گزینش) محسوب شود، از طریق محروم کردن افراد یا بازکردن راه برای اشغال آن، در برخورداری از مزایای آن نقش تأثیر دارند.

نمونه‌ی دوم

پرسش: به کسی که به عنوان معتاد شناخته می‌شود، معمولاً شغلی نمی‌دهند، این عمل چه

تأثیری در برخورداری وی از مزایا دارد؟

—

—

پرسش: از این مثال، برای رابطه‌ی ویژگی‌ها و نقش‌ها چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

—
—

پاسخ درست: ویژگی‌هایی که فرد با آن شناخته می‌شود، می‌تواند راه او را برای اشغال نقش‌ها محدود کند و در نتیجه او را از مزایای آن نقش محروم کند.

پرسش: آیا این مطلب برای همه‌ی نقش‌ها صادق است؟

—
—

پاسخ درست: بلی.

پرسش: این مطلب را به صورت یک اصل بیان کنید.

—
—

پاسخ درست: ویژگی‌هایی که افراد با آن خود را تعریف می‌کنند یا دیگران فرد را با آن می‌شناسند، اگر معیاری برای اشغال نقش‌ها (گزینش) محسوب شوند، از طریق محروم کردن افراد یا بازکردن راه برای اشغال آن، در برخورداری از مزایای آن نقش تأثیر دارند.

بعد از نتیجه‌گیری، برای تعمیق یادگیری می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا نمونه‌های دیگری را از محیط خود بیان کنند و نشان دهند که چگونه ویژگی‌ها راه را برای اشغال نقش‌ها محدود یا باز می‌کنند و بر مزایای حاصل از آن نقش تأثیر می‌گذارند.

۷- فعالیت پایانی (فکر کنید و پاسخ دهید) / روش: بحث گروهی

این فعالیت دو قسمت دارد، در قسمت اول، دانش‌آموزان درباره‌ی محرومیت افراد از مزایا با تکیه بر معیارهای ذکر شده داوری می‌کنند و در قسمت دوم درباره‌ی عادلانه یا غیر عادلانه بودن برخورداری و محرومیت ناشی از آن معیارها اظهار نظر می‌کنند که هم وجه نگرشی دارد و هم مقدمه‌ای

است بر بحث تبعیض که موضوع درس بعدی است. نمونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان به هر دو قسمت درباره‌ی هر معیار در زیر ارائه می‌شود.

نمونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان

اعتقاد به سهمیه‌بندی کنکور بر اساس جنس: توجه به معیار جنسیت در سهمیه‌بندی کنکور ناعادلانه است (همه‌ی گروه‌ها)؛ زیرا در این صورت، افرادی که توانایی و استعداد کافی ندارند، بر اساس سهمیه به دانشگاه وارد می‌شوند و در ازای آن افراد مستعد و توانا و با صلاحیت از این مزیت محروم می‌شوند.

علاوه بر محرومیت افراد توانا به دلیل جنسیت (معمولاً زنان) از ورود به دانشگاه، جامعه نیز از این موضوع آسیب می‌بیند؛ زیرا افرادی با صلاحیت و لیاقت کمتر و چه بسا بی‌صلاحیت و بی‌لیاقت به دانشگاه‌ها وارد می‌شوند که توانایی کافی ندارند.

امتیاز دادن به دانش‌آموزان...: امتیاز دادن به پذیرفته‌شدگان در مرحله‌ی نهایی المپیادها برای ورود به دانشگاه عادلانه است (بیش‌تر گروه‌ها)؛ زیرا رسیدن به چنین مرحله‌ای، نتیجه‌ی تلاش و فعالیت آن‌هاست و نشان از صلاحیت و توانایی آن‌ها در حد کسانی دارد که در کنکور قبول می‌شوند.

– صرف مقام آوردن در المپیادها نمی‌تواند برای ورود به دانشگاه بدون کنکور امتیازی باشد؛ زیرا این دانش‌آموزان به دلیل امکاناتی که در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد، قادرند به این المپیادها راه یابند و چه بسا که از درجات هوشی بسیار بالایی هم برخوردار نباشند. چه بسا دانش‌آموزان باهوشی که به دلیل دوربودن از مراکز استان‌ها، محرومیت منطقه، فقر خانوادگی و نداشتن دبیر مرتبط و مناسب از شرکت در المپیاد و مقام آوردن محروم می‌شوند.

این پاسخ، پاسخ درستی نیست؛ زیرا هدف از این بررسی این نیست که به این سؤال جواب دهیم که چه کسانی به المپیادها راه می‌یابند و چه عواملی موجب این راه یافتن می‌شود. بلکه در این جا موضوع بررسی «امتیاز بدون کنکور به دانشگاه رفتن» است. چون راه یافتن به المپیاد نتیجه‌ی فعالیت فرد است (یک ویژگی اکتسابی و نه انتسابی)، پس اگر امتیازی به آن تعلق بگیرد، ناعادلانه شناخته نمی‌شود.

تأکید بر جنس در استخدام: توجه به جنسیت در استخدام نیروهای متخصص و تحصیل کرده، ناعادلانه است (همه‌ی گروه‌ها)؛ زیرا افرادی به صرف داشتن یک ویژگی انتسابی و بدون توجه به توانایی‌ها و صلاحیت‌ها از داشتن شغل و در نتیجه مزایای حاصل از آن محروم می‌شوند.

نکته: البته این داوری در حالتی درست است که در تصدّی یک شغل، ویژگی‌های جسمی، طبیعی و روانی زن یا مرد اهمیت نداشته باشد و گرنه توجه به معیار جنسیت به عنوان یکی از لوازم انجام وظایف شغلی، می‌تواند عادلانه باشد؛ برای مثال، می‌توان به مشاغلی مانند پرستاری اشاره کرد که با روحیات زنانه سازگاری بیش‌تری دارد. گرچه گروه‌هایی از فمینیست‌ها، سخن گفتن از روحیه‌ی زنانه را هم نتیجه‌ی تبعیض‌هایی می‌دانند که در جامعه اعمال شده و زنان را در موقعیت‌های معینی محبوس کرده و در نتیجه واجد این روحیات شده‌اند.

تأکید بر توانایی‌های ...: تأکید بر توانایی‌های جسمی (قدرت بدنی) در انتخاب افراد برای مشاغل نظامی و انتظامی امری عادلانه است؛ زیرا در جنگ و کارهای نظامی و انتظامی به دلیل سروکار داشتن با افراد ناباب و جنگیدن و مبارزه با آن‌ها، قدرت بدنی برای کارایی ضرورت دارد.

– تأکید بر توانایی‌های جسمی (قدرت بدنی) در انتخاب افراد برای مشاغل نظامی و انتظامی، امری ناعادلانه است؛ زیرا در زمان‌های گذشته که نیروهای نظامی با شمشیر و به صورت فردی می‌جنگیدند، به قدرت بدنی نیاز بود؛ ولی در حال حاضر هوش و صلاحیت‌های اکتسابی اهمیت یافته است. همچنین گسترش سلاح‌هایی که کار با آن‌ها نیاز به تخصص دارد، سهم قدرت بدنی را در کارایی کاهش داده است. بنابراین تأکید بر توانایی جسمی عادلانه نیست.

– تأکید بر توانایی جسمی در انتخاب افراد برای مشاغل انتظامی ناعادلانه است؛ زیرا امروزه اگر قاچاقچیان و دزدان و ... از هوش خود برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند، در مقابل، باید مأموران هم دارای هوش کافی و آموزش‌های لازم فکری برای مقابله با آن‌ها باشند و تنها قدرت جسمانی کافی نیست.

تأکید بر سابقه‌ی شغلی ...: توجه به سابقه‌ی شغلی و مهارت‌ها در استخدام

عادلانه است؛ زیرا سابقه‌ی شغلی موجب افزایش مهارت افراد می‌شود. مهارت هم امری اکتسابی است که کارایی را افزایش می‌دهد.

– تأکید بر سابقه‌ی شغلی به عنوان یک معیار در استخدام، در همه‌ی موارد عادلانه محسوب نمی‌شود؛ زیرا اگر سابقه‌ی شغلی را سال‌های فعالیت فرد در یک شغل محسوب کنیم، ممکن است فردی سال‌های زیادی به یک کار مشغول باشد اما مهارت‌های وی افزایش نیافته باشد. در این گونه موارد سابقه‌ی شغلی یک صفت انتسابی مانند سن است. اما اگر سابقه شغلی به معنای داشتن مهارت بیش‌تر در زمینه‌ی یک کار خاص باشد، در نظر گرفتن آن به عنوان یک معیار، عادلانه است.

۸– مفاهیم کلیدی

ویژگی، برخورداری از مزایا، ارزشمندی ویژگی‌ها، نقش.

مفاهیم محوری، «ویژگی» و «برخورداري از مزایا» است.

۹– خلاصه‌ی درس

مزایا در هر جامعه یا گروه، بر مبنای ویژگی‌ها توزیع می‌شود. ویژگی‌ها به صورت مستقیم و از طریق معیار قرارگرفتن برای ایفای نقش‌ها بر برخورداري از مزایا تأثیر می‌گذارند. به میزانی که یک ویژگی ارزشمندتر شناخته شود، مزایای بیش‌تری به آن تعلق می‌گیرد. متقابلاً به میزانی که به یک ویژگی مزایای بیش‌تری تعلق بگیرد، ارزشمندی آن افزایش می‌یابد.

۱۰– پیشنهاد عناوین دیگر برای درس

نمونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان

- ۱– ویژگی‌های ارزشمند ملاک برخورداري از مزایا
- ۲– نابرابری در توزیع مزایا
- ۳– توزیع مزایا براساس نقش
- ۴– عادلانه یا ناعادلانه بودن توزیع مزایا براساس ویژگی‌های انتسابی
- ۵– جامعه، ویژگی‌ها و برخورداري از مزایا

عنوان ۲، ۳ و ۴ اشتباه و عنوان ۱ بهترین عنوان تلقی می‌شود.

نمونه‌ی سوالات درس

پرسش: دو جامعه‌ی زیر را در نظر بگیرید.

الف - جامعه‌ای که در آن مزایا براساس جنس (مرد یا زن بودن) توزیع می‌شود.

ب - جامعه‌ای که در آن مزایا نه براساس جنس بلکه براساس تجارب، مهارت‌ها و

استعدادهای افراد توزیع می‌شود.

علت تفاوت تقسیم مزایا در دو جامعه‌ی مذکور را تحلیل کنید.

پرسش: دو مثال بنویسید و در آن‌ها مشخص کنید که چگونه ویژگی زیبایی

به طور مستقیم و غیرمستقیم در برخورداری یا محرومیت از مزایا تأثیر دارد.

پرسش: چرا در بعضی کشورها زنان حق رأی و حق رانندگی ندارند؟

پرسش: احتمالاً فیلم سینمایی «تایتانیک» را دیده‌اید. پس از آشوب در کشتی،

کدام طبقه از مردم زودتر نجات یافتند؟ چرا؟

به شکلی از توزیع مزایا «تبعیض» گفته می‌شود؟

اهداف درس

در پایان درس، انتظار می‌رود دانش‌آموز:

- جوامع را با توجه به توزیع مزایا براساس ویژگی‌های انتسابی و اکتسابی مقایسه و طبقه‌بندی کند.
- مبنا بودن ارزش‌ها و باورها برای داوری درباره‌ی نابرابری‌ها را بشناسد.
- نابرابری بر مبنای ویژگی‌های انتسابی و اکتسابی را در گذشته و حال مقایسه کند.
- «تبعیض» و «شایسته‌سالاری» را با یک‌دیگر مقایسه کند.

اجزاء درس

- ۱- عنوان پرسشی درس، ۲- فعالیت ورودی و متن ذیل آن، ۳- فعالیت میانی و متن ذیل آن، ۴- برای مطالعه‌ی بیش‌تر (۱)، ۵- متن ذیل عنوان فرعی (ویژگی‌های انتسابی، ...)، ۶- برای مطالعه‌ی بیش‌تر (۲)، ۷- فعالیت پایانی، ۸- مفاهیم کلیدی، ۹- خلاصه‌ی درس، ۱۰- پیشنهاد عناوین دیگر برای درس.

نمونه‌ی تدریس

- ۲- فعالیت ورودی (طبقه‌بندی کنید) و متن ذیل آن / روش: بحث گروهی، پرسش و پاسخ و استفاده از فیلم، عکس و تصویر
- این فعالیت دو قسمت دارد. قسمت اول آن طبقه‌بندی ویژگی‌ها بر مبنای سهم افراد در تحقق آن است و قسمت دوم آن نیز طبقه‌بندی نابرابری‌ها براساس طبقه‌بندی ویژگی‌هاست. محور اصلی فعالیت، قسمت اول است؛ زیرا با طبقه‌بندی ویژگی‌ها، خود به خود نابرابری‌هایی هم که بر مبنای آن‌ها شکل می‌گیرد، طبقه‌بندی می‌شود.

نمونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان

پاسخ دانش‌آموزان در قسمت اول را می‌توان در جدولی به شکل زیر خلاصه کرد.

ویژگی‌هایی که فرد در تحقق آن سهم دارد.	ویژگی‌هایی که فرد در تحقق آن سهمی ندارد.
دانشمندی، ابتکار، خلاقیت، تقوا، جان‌فشانی و ایثار، پشتکار، ورزشکاری، انصاف	دختر بودن، قومیت، باهوش بودن، زیبایی

همان‌طور که در درس‌های قبل اشاره شد، بعضی از ویژگی‌ها مانند زیبایی یا هوش، بر مبنای معنایی که برای آن در نظر می‌گیریم، ممکن است در هر دو مقوله قرار گیرد.

بعد از انجام فعالیت، بر مبنای آموخته‌های سال قبل و دروس قبلی، از دانش‌آموزان خواسته می‌شود تا برای هر دسته از ویژگی‌ها، نامی انتخاب کنند. بعد از بررسی پیشنهادها، می‌توان دو مفهوم «ویژگی‌های انتسابی» و «ویژگی‌های اکتسابی» را به عنوان نتیجه‌گیری عنوان کرد.

نتیجه‌گیری معلم برای قسمت دوم فعالیت: با توجه به اصل «توزیع مزایا بر اساس ویژگی‌های ارزشمند»، می‌توان از دو نوع توزیع یاد کرد: توزیع بر مبنای ویژگی‌های انتسابی و توزیع بر مبنای ویژگی‌های اکتسابی.

بقیه‌ی متن با پرسش و پاسخ، تدریس می‌شود. در تدریس این قسمت می‌توان از فیلم، عکس و تصویر درباره‌ی برده‌داری، آپارتاید و جامعه‌ی غربی هم استفاده کرد.

پرسش: نمونه‌هایی از توزیع مزایا بر مبنای ویژگی‌های انتسابی را ذکر کنید.

—
—
—
—

پرسش: نمونه‌هایی از توزیع مزایا بر مبنای ویژگی‌های اکتسابی را بیان کنید.

پرسش: در جامعه‌ی ما مزایا بر مبنای کدام یک از ویژگی‌ها توزیع می‌شود؟

—

—

پاسخ درست: هر دو

پرسش: در جوامع دیگر چگونه؟

—

—

پاسخ درست: هر دو

پرسش: از این پاسخ‌ها چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

—

—

پاسخ درست: در هر جامعه‌ای مزایا هم بر مبنای ویژگی‌های انتسابی و هم ویژگی‌های اکتسابی توزیع می‌شود.

پرسش: اگر در همه‌ی جوامع، مزایا هم بر مبنای ویژگی‌های انتسابی و هم ویژگی‌های اکتسابی

توزیع می‌شود، پس تفاوت جوامع در زمینه‌ی توزیع مزایا در چیست؟

—

—

پاسخ درست: در این که مزایا عمدتاً بر مبنای ویژگی‌های انتسابی توزیع می‌شود یا اکتسابی

پرسش: بر این مبنای چند نوع جامعه می‌توان سخن گفت؟

—

—

پاسخ درست: می‌توان جوامع را در طول طیفی طبقه‌بندی کرد که در یک طرف آن جوامعی قرار دارند که در آن مزایا عمدتاً بر مبنای ویژگی‌های انتسابی توزیع می‌شود و در سوی دیگر آن جوامعی که ویژگی‌های اکتسابی عمدتاً مبنای توزیع مزایا قرار می‌گیرند. همچنین می‌توان به صورت فرضی و ذهنی از شرایطی یاد کرد که مزایا کاملاً بر مبنای ویژگی‌های انتسابی یا اکتسابی توزیع می‌شود.

در این مرحله، با استفاده از گزارش، فیلم و عکس و تصویرهایی که توسط دانش‌آموزان تهیه شده (در این مورد باید از جلسه قبل اقدام شود)، موضوعاتی چون برده‌داری، کاست و زندگی در جوامع صنعتی معرفی و مفاهیم مذکور توضیح داده می‌شود.

در ادامه، برای تعمیق یادگیری می‌توان از پرسش و پاسخ به شکل زیر استفاده کرد.
پرسش: با توجه به اطلاعات تاریخی خود و مصادیقی که درباره‌ی انواع جوامع ارائه شد، توزیع مزایا در جوامع در چه جهتی متحول شده و می‌شود؟ انتسابی یا اکتسابی؟

—
—

پرسش: با توجه به شناختی که از توسعه دارید، در جوامعی که توسعه می‌یابند، توزیع مزایا به کدام سمت تغییر می‌کند؟ انتسابی یا اکتسابی؟

—
—

پرسش: با توجه به تغییراتی که در جامعه رخ داده و می‌دهد، انتظار دارید در آینده، در جامعه‌ی ما مزایا چگونه توزیع شود؟ بیش‌تر بر مبنای ویژگی‌های انتسابی یا اکتسابی؟ چرا؟

—
—

۳- فعالیت میانی (قضاوت کنید) و متن ذیل آن/ روش: بحث گروهی

این فعالیت دو قسمت دارد: ۱- داوری درباره‌ی عادلانه بودن توزیع مزایا بر مبنای ویژگی‌های مختلف ۲- دلیل این داوری.

نمونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان

— توزیع مزایا براساس رنگ پوست و قومیت، ناعادلانه است؛ زیرا فرد در کسب آن‌ها هیچ نقشی نداشته است.

— رنگ پوست و قومیت امری کاملاً جبری است و هیچ ارتباطی با اختیار افراد ندارد.

— توزیع مزایا بر مبنای رنگ پوست و قومیت، ناعادلانه است، چون فرد در کسب آن‌ها تلاش نکرده است.

– مهارت شغلی، موقعیت تحصیلی و باهوش بودن می‌تواند در توزیع مزایا نقش داشته باشد و توزیع مزایا براساس آن‌ها عادلانه است؛ چون فرد با تلاش و زحمت دو مورد اول را کسب می‌کند و سومی (با هوش بودن) یک ویژگی است که در کسب سایر ویژگی‌ها مانند مهارت شغلی و موقعیت تحصیلی تأثیر دارد و زیربنای آن‌هاست.

– توزیع مزایا بر مبنای هوش عادلانه است؛ زیرا اگر منابع در اختیار افرادی کودن قرار گیرد، نمی‌توانند به درستی از آن استفاده کنند.

– اگر از هوش برای حقه‌بازی، زرنگی، ریاکاری و کارهای خلاف استفاده شود، مزایایی که به این شکل به دست می‌آید، اصلاً عادلانه نیست اما اگر هوش وسیله‌ی دست‌یابی به مهارت و تحصیلات باشد، توزیع مزایا بر مبنای آن عادلانه خواهد بود.

– مهارت شغلی و موفقیت تحصیلی باید در توزیع مزایا مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا مهارت و موفقیت تحصیلی با تحمل مشتقات زیاد به دست می‌آید.

نتیجه‌گیری معلم: خوب است استدلال‌های شما را درباره‌ی عادلانه بودن و نبودن توزیع مزایا مرور کنیم. در استدلال‌های شما مواردی چون: نقش نداشتن فرد در کسب آن ویژگی، بی‌اختیار بودن، تلاش و زحمت، کم‌هوشی و کودنی، حقه‌بازی و زرنگی فرد در به دست آوردن آن در استدلال‌های شما دیده می‌شود. اگر به این دلایل دقت کنیم، می‌توان گفت، زمانی که چنین استدلال می‌کنید که «توزیع مزایا بر مبنای قومیت عادلانه نیست، چون فرد نقشی در کسب آن ندارد»، «نقش داشتن فرد در کسب یک ویژگی» برای شما یک معیار و ارزش محسوب می‌شود. همچنین زمانی که استدلال می‌کنید که «مزایا نباید در اختیار افراد کم‌هوش و کودن قرار گیرد»، این مطلب به معنای آن است که هوشمندی برای شما ارزشمند است و کودنی امری منفی تلقی می‌شود.

براین اساس می‌توان گفت، داوری ما درباره‌ی توزیع مزایا بر مبنای باورها و ارزش‌هایی انجام می‌شود که به آن اعتقاد داریم. نمونه‌ای از این نوع استدلال را می‌توانید در داستان «کفش‌گر» بخوانید.

در ادامه‌ی تدریس، می‌توان با تمهیدی که از جلسه قبل در نظر گرفته شده، از دو دانش‌آموزی که مطالبی درباره‌ی کاست‌های هندی و برخورد اموی‌ها با ایرانیان تهیه کرده‌اند، خواست تا گزارش کوتاهی در این زمینه ارائه کنند. درباره‌ی برخورد اموی‌ها با ایرانیان می‌توان از کتاب «خدمات متقابل ایران و اسلام» که مشخصات آن در دروس قبلی ارائه شده و کتاب‌های مربوط به تاریخ دو قرن اول اسلام استفاده کرد. درباره‌ی کاست‌های هندی نیز می‌توان از کتاب‌های جامعه‌شناسی و تاریخ هند، مانند منابع زیر استفاده کرد.

— کوئن، بروس (۱۳۸۴) درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: نشر توتیا.

— پاز، اکتاویو (۱۳۷۸) پرتوی از هند، ترجمه‌ی کاوه میرعباسی، تهران: نشر مرکز.

۴— برای مطالعه‌ی بیشتر (۱)

متن «مطالعه‌ی بیشتر» توسط یکی از دانش‌آموزان خوانده می‌شود و اصطلاحات آن توسط معلم توضیح داده می‌شود. سپس معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا باورها و ارزش‌هایی را که مبنای استدلال «شاه» قرار گرفته از متن استخراج کنند.

شاه قبول پیشنهاد کفش‌گر را امری شیطانی می‌داند (چرا دیو چشم تو را تیره کرد) که موجب لعنت بعد از مرگ می‌شود (به ما بر پس از مرگ نفرین بود)؛ زیرا قبول چنین کاری به معنای تغییر راه و رسم زمانه است که از نگاه فرهنگ آن دوره مقدس بوده و تغییر آن گناه محسوب می‌شده است (چو آیین این روزگار این بود). همچنین قبول پیشنهاد کفش‌گر را خلاف عدالت و آیین درست می‌داند (نخواهیم روزی جز از گنج داد).

برای تعمیق بیشتر مطلب، معلم می‌تواند از دانش‌آموزان بخواهد تا به پیشنهاد کفش‌گر از منظر ارزش‌های کنونی خود بنگرند و درباره‌ی عادلانه بودن یا نبودن آن استدلال کنند و ارزش‌های مبنای استدلال خود را شناسایی کنند.

۵— تدریس متن (ویژگی‌های انتسابی، امری طبیعی یا نوعی تبعیض) / روش: پرسش و

پاسخ

پرسش: در داستان کفش‌گر، چرا شاه احساس می‌کند اگر پیشنهاد کفش‌گر را بپذیرد، گناه کرده و دچار نفرین آیندگان می‌شود؟ پاسخ را از عبارات خود وی بجویید.

—
—

پاسخ درست: چون آن را خلاف «آیین درست» می‌داند (چو آیین این روزگار

این بود)

پرسش: از این استدلال‌ها برای عادلانه تلقی کردن توزیع نابرابر مزایا، چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟

—

—

پاسخ درست: اگر تفاوت و تمایزی (مثلاً تفاوت کفش‌گر و دبیر) امری طبیعی یا

خدایی تلقی شود و از نظر معتقدان به آن، طبیعی بودن یا خدایی بودن ارزشمند تلقی

شود، در این حالت، توزیع نابرابر مزایا عادلانه تلقی خواهد شد.

پرسش: چرا با عقاید شاه ساسانی موافق نیستید؟

—

—

پاسخ درست: چون از نظر دینی بر این باوریم که انسان‌ها برابر به دنیا می‌آیند و

همه بنده‌ی خدایند. باور ما این است که کفش‌گر و دبیر شدن امری طبیعی نیست، بلکه

نتیجه‌ی زندگی اجتماعی و مسلط شدن گروهی از افراد بر دیگران است.

پرسش: از مقایسه‌ی عقاید خود با عقاید شاه ساسانی چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

—

—

پاسخ درست: اگر به برابری طبیعی یا خدایی انسان‌ها معتقد باشیم، توزیع نابرابر

مزایا بر مبنای ویژگی‌های انتسابی را ناعادلانه محسوب خواهیم کرد. برعکس اگر

معتقد باشیم که انسان‌ها ذاتاً نابرابرند یا از نظر طبیعی یا خدا در بعضی ویژگی‌ها با هم

تفاوت دارند و بعضی از ویژگی‌ها در طبیعت یا از نظر خدا ارزشمند تلقی می‌شود، در

این حالت، توزیع نابرابر مزایا بر مبنای آن ویژگی‌ها را عادلانه خواهیم شمرد.

— دقت داشته باشید که صرف باور به تفاوت طبیعی موجب نمی‌شود که ما توزیع

نابرابر مزایا بر مبنای آن تفاوت را عادلانه بدانیم، بلکه باید آن تفاوت را امری ارزشمند

بدانیم. حال یا این ارزشمندی را به ترجیحات خود و جامعه نسبت می‌دهیم یا به طبیعت

و خدا. در صورتی که ارزشمندی را به خدا یا طبیعت نسبت دهیم، توزیع نابرابر را هم

طبیعی یا خدایی و در نتیجه غیرقابل تغییر محسوب خواهیم کرد. در حالی که اگر ارزشمندی را نتیجه‌ی ترجیحات افراد و گروه‌ها بدانیم، پذیرفته‌ایم که در این شرایط ارزشمند است و ممکن است در شرایط دیگری غیر از این باشد.

پرسش: اگر بر این باور باشیم که زنان با مردان از نظر طبیعی با هم تفاوت دارند و این تفاوت را ارزشمند بدانیم، آیا عقیده‌ای مشابه‌ی شاه ساسانی داریم؟

—

—

پاسخ درست: بلی، چنین باوری نیز مشابه اندیشه‌ی شاه ساسانی است.

پرسش: اگر تفاوت زن و مرد را طبیعی بدانیم اما ارزشمندی آن را طبیعی ندانیم، بلکه بپذیریم که ارزشمندی ویژگی مرد یا زن بودن در جامعه شکل می‌گیرد، در این حالت، درباره‌ی توزیع نابرابر مزایا بین زن و مرد در جامعه چه موضعی خواهیم داشت؟

—

—

پاسخ درست: ضمن قبول تفاوت، می‌پذیریم که ارزشمندی امری است که در جامعه شکل گرفته و می‌توان آن را تغییر داد. در این حالت، عامل نابرابری را افراد و گروه‌ها می‌دانیم نه طبیعت. بنابراین ممکن است آن را مورد چالش قرار دهیم.

نتیجه‌گیری معلم: بحث تفاوت بین زن و مرد در چند دهه‌ی اخیر مطرح بوده است. افراد و گروه‌هایی که به عنوان فمینیسم شناخته می‌شوند، تحت تأثیر گسترش عقاید برابری طلبانه، نابرابری در برخورداری از مزایای بین زن و مرد در جامعه و خانواده را مورد چالش قرار داده‌اند. آن‌ها ضمن تأکید بر تفاوت طبیعی زن و مرد، ادعاهای مبنی بر ارزشمندی «مرد بودن» یا برتری طبیعی و ذاتی مرد بر زن را زیر سؤال برده‌اند. آن‌ها بر این اعتقادند که این ارزشمندی طبیعی نیست؛ بلکه در جریان زندگی اجتماعی شکل گرفته و می‌گیرد. بنابراین، آن را باید به عنوان امری که ساخته‌ی روابط انسان‌ها با هم است، محسوب کرد و در جهت تغییر آن اقدام نمود. همچنان که تفاوت در رنگ پوست، اگر چه امری طبیعی محسوب می‌شود اما ارزشمندی رنگ پوست سفید بر سیاه محصول روابطی است که بین سفیدها و سیاه‌ها شکل گرفته و می‌توان آن را تغییر داد؛ چنان که در سده‌ی گذشته تغییر یافته است.

پرسش: اکنون، به بررسی یک مفهوم می‌پردازیم: «تبعیض»؛ چه زمانی از «تبعیض» سخن

می‌گوییم؟

—

—

پاسخ درست: زمانی که فرض کنیم، افراد و گروه‌ها با هم برابری و تفاوت‌های طبیعی آن‌ها ارزشمند نیست اما افرادی را به خاطر تفاوت‌های انتسابی‌شان از مزایای محروم کنیم، از تبعیض سخن می‌گوییم. اگر بپذیریم که همه‌ی ایرانیان شهروندان و همه‌ی شهروندان در برابر قانون برابری، در این حالت، اگر شهروندی به خاطر تفاوتی انتسابی (و نه اکتسابی) از مزایای بیش‌تری برخوردار شود، موضوع تبعیض مطرح می‌شود اما اگر شهروندان را به درجه‌ی ۱ و ۲ تقسیم کنیم و شهروندان درجه‌ی ۱ را برتر از شهروندان درجه‌ی ۲ بدانیم، در این حالت، توزیع نابرابر مزایا بین این دسته از شهروندان را تبعیض محسوب نخواهیم کرد.

پرسش: اگر شهروندی به دلیل ویژگی‌های اکتسابی (و نه انتسابی) از مزایای بیش‌تری برخوردار

شود، آیا این برخورداری نیز تبعیض محسوب می‌شود؟

—

—

پاسخ درست: خیر.

پرسش: می‌توانید در این باره مثالی بیاورید؟

—

—

پرسش: اگر بخواهیم برای این حالت، اصطلاحی ذکر کنیم، شما چه اصطلاحی را پیشنهاد

می‌کنید؟

—

—

پرسش: به نظر شما شایسته‌ی سالاری در این زمینه می‌تواند مفهوم مناسبی باشد؟ چرا؟

—

—

۶- برای مطالعه‌ی بیش‌تر (۲)

این متن نشان می‌دهد که چگونه نابرابری بین سیاه پوستان و سفید پوستان که قبلاً امری طبیعی تلقی می‌شد، در پرتو ارزش‌های جدید چون برابری و آزادی در آمریکا، این تفاوت را به یک «تبعیض» تبدیل کرد و مبارزه‌ی سیاهان را در پی داشت.

می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا مطلب را به صورت فردی مطالعه کنند و سپس معلم توضیحاتی درباره‌ی آن ارائه کند و در جهت تعمیق یادگیری به مطالب آن استناد کند.

۷- فعالیت پایانی (تحقیق کنید) / روش: پروژه

این فعالیت، تحقیقی است که به صورت گروهی در خارج از کلاس و با راهنمایی دبیر انجام و نتیجه‌ی آن در جلسه‌ی بعدی کلاس ارائه می‌شود.

یک نمونه از تحقیق دانش‌آموزان

قسمت اول (نمونه‌ی آگهی‌های استخدام)

آگهی ۱- یک واحد تولیدی مرتبط با صنایع بسته‌بندی جهت تکمیل پرسنل خود به تخصص‌های زیر نیاز دارد.

مدیر مالی: لیسانس حسابداری، حداقل ۱۰ سال سابقه‌ی کار، آشنا به نرم‌افزارهای مالی، آشنا به حسابداری صنعتی

مدیر فروش: لیسانس بازرگانی یا رشته‌های مرتبط، حداقل ۵ سال سابقه‌ی کار مؤثر و مفید در بازاریابی و فروش

طراح: فوق دیپلم گرافیک، آشنا به نرم‌افزارهای طراحی افراد واجد شرایط کپی آخرین مدرک تحصیلی و سوابق کاری خود را به صندوق پستی ارسال کنند.

آگهی ۲- حسابدار بازنشسته با حداقل ۱۰ سال تجربه در امور مالی شرکت‌های پیمانکاری

آگهی ۳- به تعدادی چرخ کار وارد به زیگزال دوزی و میان‌دوز کار و وسط کار نیازمندیم.

آگهی ۴- به مهندس آقا، با سابقه‌ی کار در مدیریت و سرپرستی پلنت‌های نفت و گاز نیازمندیم.

- آگهی ۵- منشی خانم، مسلط به زبان انگلیسی و حروف چینی رایانه‌ای، حداقل ۲ سال سابقه کار
- آگهی ۶- یک شرکت مهندسی جهت اداره‌ی جایگاه‌های تحویل گاز به اتومبیل‌ها، نیاز به کادر پرسنلی فنی زیر دارد:
- مسئول جایگاه: فوق دیپلم فنی در رشته‌های گاز، پتروشیمی، مکانیک، برق، الکترونیک، ابزار دقیق و رشته‌های مرتبط، آشنا به زبان انگلیسی در حد استفاده از کاتالوگ‌ها، حداکثر سن ۴۰ سال (تعداد ۱۰ نفر)
- تکنیسین تزریق گاز: دیپلم‌های فنی (برق، مکانیک، الکترونیک) و ریاضی فیزیک، آشنا به زبان انگلیسی، حداکثر سن ۳۸ سال (تعداد ۲۰ نفر)
- آگهی ۷- مؤسسه با مجوز بهزیستی به تعدادی خانم جهت نگهداری از سالمند و کودک، روزانه و شبانه‌روزی نیازمند است.
- آگهی ۸- یک شرکت تولیدی واقع در یک نفر تکنیسین برق، با مدرک فوق دیپلم و با حداقل ۲ سال سابقه‌ی کار را دعوت به همکاری می‌کند. لطفاً مدارک سوابق تحصیلی و تجربی و تلفن تماس خود را به صندوق پستی ارسال کنید.
- آگهی ۹- به حسابدار مجرب خانم یا آقا نیازمندیم.
- آگهی ۱۰- یک شرکت معتبر به تعدادی ویزیتور تحصیل کرده‌ی خانم و آقا با روابط عمومی قوی نیازمند است.

قسمت دوم (تقسیم ویژگی‌ها به اکتسابی و انتسابی)

ویژگی‌ها	اکتسابی	انتسابی
تحصیلات	×	
تخصص	×	
سابقه‌ی کار	×	
جنسیت		×
سن		×

قسمت سوم: بیش‌تر بر ویژگی‌های اکتسابی تأکید شده است.
قسمت چهارم: در مجموع استخدام براساس ویژگی‌های ذکر شده عادلانه است.
در مواردی هم که سن و جنس به عنوان شرط استخدام ذکر شده، این ویژگی‌ها به عنوان شرایط انجام بهتر نقش و فعالیت است تا نوعی تبعیض بین زنان و مردان. هرچند ممکن است استدلال شود که تناسب جنس با بعضی از مشاغل (مانند مشاغل مربوط به نفت و گاز یا نگهداری از افراد مسن و کودکان) به دلیل غلبه‌ی این تصور است که بعضی مشاغل مردانه و بعضی زنانه است.

۸- مفاهیم کلیدی

تبعیض، شایسته‌سالاری، طبیعی یا خدایی تلقی کردن تفاوت‌ها

۹- خلاصه‌ی درس

مبنای داوری افراد و جوامع در عادلانه یا ناعادلانه دانستن نابرابری‌ها در جامعه، ارزش‌ها و باورهای آن‌هاست. در جوامعی که ویژگی‌های انتسابی، طبیعی و خدایی تلقی شود و داشتن یک ویژگی ارزشی بیش از ویژگی دیگر داشته باشد، توزیع مزایا بر مبنای ویژگی‌های انتسابی عادلانه تلقی خواهد شد. در صورتی که ارزشمندی این گونه تفاوت‌ها زیر سؤال رود و بر برابری انسان‌ها، صرف‌نظر از تفاوت‌هایشان تأکید شود، آن‌گاه توزیع مزایا بر مبنای ویژگی‌های انتسابی، «تبعیض» تلقی می‌شود. «شایسته‌سالاری» در برابر تبعیض قرار می‌گیرد و به شرایطی اطلاق می‌شود که برخورداری افراد از مزایا بر مبنای ویژگی‌های اکتسابی باشد.

۱۰- پیشنهاد عناوین دیگر برای درس

نمونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان

۱- بعضی‌ها بزرگ متولد می‌شوند، بعضی‌ها به سختی بزرگی را به دست می‌آورند؛ (شکسپیر).

۲- گیرم پدر تو بود فاضل / از فضل پدر تو را چه حاصل

۳- تبعیض یا شایسته‌سالاری

۴- تبعیض

۵- عدالت و تبعیض

۶- إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ

۷- بنی آدم اعضای یکدیگرند / که در آفرینش ز یک گوهرند

۸- در اسلام سید قریشی را بر بنده حبشی برتری ای نیست

۹- لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى

۱۰- چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید

۱۱- گل شبدر چه کم از لاله‌ی قرمز دارد.

۱۲- جامعه براساس کدام ویژگی‌ها، مزایا را توزیع می‌کند.

نمونه‌ی سؤالات درس

پرسش: اگر دین مردم یک جامعه تغییر کند، چقدر احتمال دارد معیارهای توزیع مزایا هم در آن جامعه تغییر کند؟

پرسش: انتظار دارید با گسترش تحصیلات عالی (دانشگاهی) چه تغییری در معیارهای توزیع مزایا رخ دهد؟

پرسش: در تاریخ ایران، با تغییر سلسله‌های حکومتی، آیا معیارهای توزیع مزایا تغییر می‌کرد؟ استدلال کنید.

پرسش: در جامعه‌ای که صنعتی می‌شود، معیارهای توزیع مزایا تغییر می‌کند یا نه؟ چرا؟

پرسش: با توجه به توزیع مزایا بر مبنای دو نوع ویژگی‌های ارزشمند، چه جامعه‌ای را جامعه‌ی عدل محور می‌دانید؟ چرا؟

پرسش: جایگاه نظام‌های بردگی، کاستی و نظام سرمایه‌داری را روی طیف زیر مشخص کنید.

ویژگی‌های اکتسابی..... ویژگی‌های انتسابی

پرسش: با توجه به اطلاعات مندرج در آگهی زیر به سؤالات پاسخ دهید.

یک واحد تولیدی برای تکمیل پرسنل خود به افراد با تخصص‌های زیر نیازمند است:

۱- مدیر مالی، کارشناس ارشد حسابداری، ۱۰ سال سابقه‌ی اشتغال، آشنا به

نرم‌افزارهای جدید

۲- مدیر فروش، کارشناس بازرگانی، با روابط عمومی خوب، ۷ سال سابقه‌ی

کار

۳- حسابدار مجرب آقا

۴- آبدارچی مرد، بومی منطقه، جوان

الف - دو دسته از ویژگی‌هایی را که برای استخدام افراد مشخص شده است،

در جدول زیر طبقه‌بندی کنید.

ب - به نظر شما استخدام براساس کدام ویژگی‌ها عادلانه است؟ چرا؟
پرستش: تحلیل کنید که توزیع مزایا براساس رنگ پوست در دو جامعه‌ی زیر
عادلانه است یا خیر؟

الف - جامعه‌ی مبتنی بر نژاد پرستی ب - جامعه‌ی صنعتی عصر حاضر
پرستش: مفاهیم تبعیض و شایسته‌سالاری را با یک‌دیگر مقایسه کنید.
پرستش: توزیع مزایا در جامعه‌ای که این تفکر در آن پذیرفته شده است:
«گیرم پدر تو بود فاضل از فضل پدر تو را چه حاصل»
مبتنی بر چه نوع ویژگی‌هایی است؟

تراکم ثروت چگونه شکل می‌گیرد؟

اهداف درس

- در پایان درس، انتظار می‌رود دانش‌آموز:
 - مفهوم «تراکم ثروت» را درک کند.
 - با انواع تراکم ثروت آشنا شود.
 - نقش قاعده‌ی مالکیت را در شکل‌گیری تراکم ثروت توضیح دهد.
 - تأثیر دو نوع مالکیت را در تراکم ثروت تحلیل کند.
 - نقش وراثت در تراکم ثروت را تحلیل کند.
 - پیامدهای دو نوع تراکم ثروت در جامعه را تحلیل کند.
 - با راه‌های توزیع ثروت متراکم در جوامع مبتنی بر مالکیت خصوصی و عمومی آشنا شود.
 - توانایی تحلیل و ارزیابی چگونگی شکل‌گیری تراکم ثروت در جوامع مختلف را پیدا کند.
 - توانایی مقایسه و ارزیابی نابرابری در ثروت را در جوامع مبتنی بر مالکیت خصوصی و دولتی، پیدا کند.
- توانایی تحلیل رابطه‌ی رانت‌خواری و تراکم ثروت را به دست آورد.
- نسبت به نابرابری ناشی از تراکم ثروت و پیامدهای آن برای جامعه و افراد نگرش منفی پیدا کند.
- نسبت به نظام مالیاتی مناسب و درست نگرش مثبت پیدا کند.
- نسبت به نقش انباشت ثروت در رشد و توسعه‌ی جامعه نگرش مثبت پیدا کند.
- نسبت به رانت‌خواری نگرش منفی پیدا کند.

اجزاء درس

- ۱- عنوان پرسشی درس، ۲- فعالیت ورودی و متن ذیل آن، ۳- برای مطالعه‌ی بیش‌تر (۱)،

۴- فعالیت میانی (۱) و متن ذیل آن، ۵- فعالیت میانی (۲) و متن ذیل آن، ۶- برای مطالعه‌ی بیش‌تر (۲)، ۷- فعالیت پایانی، ۸- مفاهیم کلیدی، ۹- خلاصه‌ی درس، ۱۰- پیشنهاد عناوین دیگر برای درس.

نمونه‌ی تدریس

۲- فعالیت ورودی (بررسی کنید) / روش: بحث گروهی

در این فعالیت، دو نمودار مربوط به توزیع ثروت در جهان و کشور آمریکا ارائه شده است و از دانش‌آموزان خواسته شده تا از این دو نمودار نتیجه‌گیری کنند. نتایج مربوط به کلاسی که دانش‌آموزان آن در سه گروه، تقسیم شده‌اند، در زیر ارائه شده است.

نمونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان

گروه ۱: درباره‌ی نمودار ۱، ۲۰٪ مردم جهان حدود ۸۳٪ درآمد جهان را در دست دارند، در حالی که ۸۰٪ بقیه فقط ۱۷٪ ثروت جهان نصیبشان می‌شود. درباره‌ی نمودار ۲، ۱۰٪ جمعیت آمریکا حدود ۷۰٪ ثروت آمریکا را در دست دارند، در حالی که نصف جمعیت آن فقط حدود ۳٪ درآمد را در اختیار دارند. نتیجه‌گیری: ثروت به طور یکسان بین همه توزیع نشده است - هم در جهان و هم در آمریکا - و فاصله طبقاتی خیلی زیاد است و افراد کمی به بیش‌ترین مزایا دسترسی دارند.

گروه ۲: نمودار ۱ نشان می‌دهد، ۲۰٪ اول حدود ۸۳٪ ثروت را در اختیار دارند در حالی که ۲۰٪ آخر فقط حدود ۱/۵٪ ثروت را در اختیار دارند؛ یعنی ۲۰٪ اول به شدت ثروتمند و ۲۰٪ آخر به شدت فقیرند.

نمودار ۲ نشان می‌دهد، اگر جمعیت آمریکا را به سه دسته تقسیم کنیم، ۱۰٪ جمعیت حدود ۷۰٪ و ۴۰٪ آن حدود ۲۷٪ و ۵۰٪ بقیه - یعنی نصف جمعیت - حدود ۳٪ ثروت را در اختیار دارند.

نتیجه‌گیری: در جهان و آمریکا فاصله‌ی بین مردم از لحاظ ثروت به شدت زیاد است و این یعنی نابرابری زیاد بین مردم، به شکلی که بیش‌ترین افراد آمریکا و جهان به کمترین ثروت و کمترین افراد به بیش‌ترین ثروت دسترسی دارند.

گروه ۳: در نمودار ۱، ۴۰٪ جمعیت جهان حدود ۹۵٪ ثروت و درآمد جهان را در اختیار دارند، در حالی که ۶۰٪ فقط به حدود ۵٪ درآمد دسترسی دارند. در نمودار ۲، ۵۰٪ جمعیت آمریکا - یعنی نصف جمعیت - به حدود ۹۷٪ ثروت دسترسی دارند، در حالی که ۵۰٪ دیگر آن فقط حدود ۳٪ درآمد را در اختیار دارند.

نتیجه‌گیری: نصف مردم جهان و آمریکا به حداکثر ثروت و نصف دیگر به حداقل آن دسترسی دارند و این یعنی فاصله‌ی طبقاتی زیاد و در نتیجه نابرابری زیاد در جهان و آمریکا.

نتیجه‌گیری معلم: نمودارها نشان از نابرابری شدید در جهان و آمریکا دارد. سایر جوامع هم وضعی بهتر از آمریکا ندارند. به چنین وضعی در توزیع ثروت «تراکم ثروت» می‌گویند.

اما چرا از این اصطلاح استفاده می‌شود؟ دلیل: در ثروتی که فرد یا مؤسسه‌ای تولید می‌کند، کل جامعه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مؤثر است.

برای مثال، بازرگانی را در نظر بگیرید که به کار بازرگانی مشغول است. او در صورتی می‌تواند بازرگانی کند که کارخانه‌ای وجود داشته باشد. برای این که کارخانه‌ای وجود داشته باشد، باید افراد تحصیل کرده‌ای باشند که کارخانه را اداره کنند و کارگران ماهری که چرخ‌های کارخانه را بچرخانند. برای این که افراد تحصیل کرده و کارگران ماهرانی باشند، باید دانشگاه‌ها و مراکز مهارت‌آموزی فعال باشند و ...

اگر همین استدلال را از وجوه مختلف دنبال کنید، در می‌یابید که سود حاصله‌ی بازرگان نتیجه و برآیند عمل اجزای مختلف جامعه در یک دوره‌ی زمانی است و نه تنها عمل خود بازرگان، چنان که اگر بانک‌هایی نباشند که اعتبار بدهند، اگر دولتی نباشد که امنیت اقتصادی را برقرار کند و ... او نخواهد توانست به کار بازرگانی بپردازد. بنابراین، نمی‌توان ثروت را امری فردی تلقی کرد؛ بلکه تولیدی اجتماعی است که بر مبنای هنجارهای جامعه توزیع می‌شود.

حال اگر بر اساس هنجارها، این ثروت در نزد بخشی از افراد یا مؤسسات جامعه انباشت شود و بخش‌های دیگر محروم شوند، موضوع «تراکم ثروت» مطرح خواهد شد.

۳- برای مطالعه‌ی بیش‌تر (۱) / روش: بحث گروهی

این متن مصداقی است از تراکم ثروت که از آن برای تعمیق یادگیری می‌توان استفاده کرد. از دانش‌آموزان می‌خواهیم تا متن را به دقت مطالعه کنند و نتیجه را با سایر اعضای گروه مطرح نمایند.

۴- فعالیت میانی (۱) (مقایسه کنید) و متن ذیل آن / روش: بحث گروهی و پرسش و

پاسخ

این فعالیت، ۴ قسمت دارد. مقایسه‌ی نتیجه کار دو کشاورز روی دو زمین با حاصل خیزی متفاوت، مقایسه‌ی ثروت دو کشاورز بعد از ده سال، مقایسه‌ی ثروت فرزندان دو کشاورز بعد از ۳۰ سال و علت تفاوت ثروت دو کشاورز و فرزندان آن‌ها.

لازم است تأکید شود که این فعالیت یک تمرین فرضی است و نه یک بررسی واقعی. به همین جهت باید فرض کنیم که شرایط دو کشاورز در زمینه‌های دیگر یکسان است و فقط آثار تفاوت زمین دو کشاورز بررسی می‌شود.

نمونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان

قسمت اول: به طور مسلم فردی که بر روی زمین حاصل خیز فعالیت می‌کند، نتیجه‌ی مطلوبی به دست می‌آورد؛ ولی تلاش فرد دیگر، نتیجه‌ی مطلوبی ندارد (همه‌ی گروه‌ها).

قسمت دوم: فردی که در زمین حاصل خیز فعالیت می‌کند، با برداشت محصول خود علاوه بر این که مخارج صرف شده را به دست می‌آورد، سودی نیز کسب می‌کند، ولی کشاورز دوم، ممکن است نتواند مخارج خود را تأمین کند. در این حالت او ضرر خواهد کرد و اگر هم بتواند مخارج خود را تأمین کند و سودی هم عاید وی شود، میزان سود او کمتر از کشاورز اول خواهد بود (همه‌ی گروه‌ها).

قسمت سوم: این مطلب البته به فعالیت خود آن‌ها نیز بستگی دارد اما با فرض شرایط مساوی می‌توان انتظار داشت که وضع فرزندان کشاورز اول بهتر از فرزندان کشاورز دوم خواهد بود (همه‌ی گروه‌ها).

قسمت چهارم: کشاورز اول با انتخاب زمین مناسب، زمینه‌ی رفاه بیش‌تر خود و فرزندان را فراهم می‌کند و فرزندان او چون با امکانات بهتری شروع می‌کنند، وضعیتشان از پدرشان بهتر می‌شود ولی فرزندان کشاورز دوم چنین امکانی را ندارند

(بعضی از گروه‌ها).

– کشاورز اول از مزیت داشتن زمین مناسب برخوردار است که این شرایط طبیعی به او کمک می‌کند که از ثروت بیش‌تری برخوردار شود و فرزندانش از خودش پول‌دارتر شوند ولی کشاورز دوم چون وضعش خوب نبوده، وضع فرزندانش نیز خوب نخواهد بود (تعدادی از گروه‌ها).

بعد از انجام فعالیت، معلم با پرسش و پاسخ، متن ذیل آن را تدریس می‌کند. پرسش: شما تفاوت ثروت دو کشاورز را با توجه به حاصل خیزی متفاوت زمین‌های آن‌ها تحلیل کردید. حال اگر این نتیجه‌گیری را بخواهیم تعمیم دهیم و به این سؤال پاسخ دهیم که «علت تفاوت افراد در برخورداری از ثروت چیست؟» پاسخ چه خواهد بود؟ آن را به صورت یک اصل بیان کنید.

–
–

پاسخ درست: شرایط طبیعی عامل تفاوت در برخورداری از ثروت است.

پرسش: اکنون درستی یا نادرستی این اصل را بررسی می‌کنیم. برای آزمون درستی این اصل، توجه شما را به موضوع مالکیت جلب می‌کنیم. شما فرض کردید که دو کشاورز مالک محصول زمین خود هستند. همچنین فرض کردید که ثروت دو کشاورز به فرزندان آن‌ها به ارث خواهد رسید. به همین دلیل، نتیجه‌گیری کردید که کشاورز اول و فرزندان وی از کشاورز دوم و فرزندان ثروتمندتر خواهند بود.

حال اگر این دو فرض (مالکیت و وراثت) را تغییر دهیم، آیا باز هم اصل بالا درست خواهد بود؟ یعنی اگر در جامعه این قاعده که «هرکسی مالک کار خویش است» و این اصل که «ثروت والدین به فرزندان می‌رسد»، پذیرفته نشده باشد، آیا باز دو کشاورز و فرزندان آن‌ها، علی‌رغم تفاوت در حاصل خیزی زمین، ثروت‌های متفاوتی خواهند داشت؟

برای پاسخ به این سؤال، باید دو نوع مالکیت را در نظر بگیریم: مالکیت خصوصی و عمومی (دولتی). منظور از مالکیت خصوصی این است که نتیجه‌ی کار را متعلق به فرد بدانیم و برای او این حق را قائل باشیم که با محصول کار خود هر کار که می‌خواهد، بکند. منظور از مالکیت عمومی این

است که فرض کنیم، کار انجام شد کاری جمعی است و نتیجه‌ی آن هم به جمع و جامعه تعلق دارد نه به فرد. بنابراین، فرد اجازه ندارد که ثروت حاصل از کار را متعلق به خود بداند و در آن تصرف کند. اکنون وضع دو کشاورز را بعد از ۱۰ سال با هم مقایسه کنید.

—
—

پاسخ درست:

در وضعیت مالکیت خصوصی	در وضعیت مالکیت عمومی
<p>هر دو کشاورز مالک درآمد ناشی از فروش محصول خود هستند و می‌توانند آن را به شکل ثروت برای خود حفظ کنند یا برای کسب ثروت بیشتر سرمایه‌گذاری کنند.</p> <p>سرمایه‌گذاری مجدد، موجب کسب ثروت بیشتر و ادامه‌ی سرمایه‌گذاری می‌شود.</p> <p>بعد از ۱۰ سال، ثروت دو کشاورز متفاوت خواهد بود.</p>	<p>محصول به گروه یا جامعه تعلق دارد. شرایط طبیعی زمین و ... تأثیری در ایجاد نابرابری ندارد و وضعیت دو کشاورز بعد از ۱۰ سال تفاوتی نخواهد کرد.</p>

پرسش: اکنون یک فرض دیگر را در نظر می‌گیریم. در صورتی که مالکیت خصوصی و به تبع آن، ثروت فردی را بپذیریم، برای وراثت نیز دو حالت در نظر می‌گیریم: تعلق اموال فرد به فرزندان و یا تعلق اموال فرد به دولت یا جامعه بعد از فوت فرد. دقت شود، در جامعه‌ای که مالکیت عمومی پذیرفته می‌شود، اصولاً ثروت در نزد فرد جمع نمی‌شود تا درباره‌ی سرنوشت آن بعد از مرگ فرد، بحث شود. اکنون وضع فرزندان دو کشاورز را بعد از ۳۰ سال مقایسه کنید.

—
—